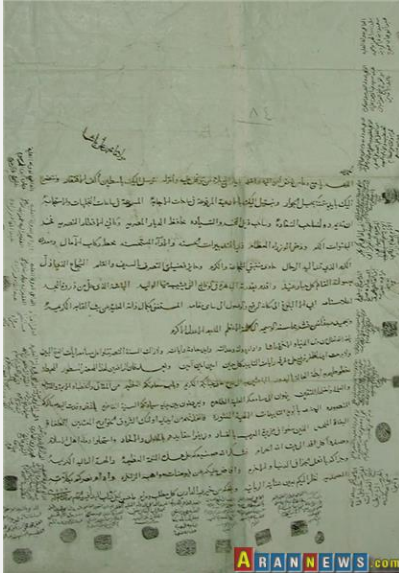


اختلاف ریشه دار اهل سنت با وهابیت

نشست اخیر رهبران اهل سنت که درباره ماهیت این مذهب در شهر گروزی پایتخت چین برگزار شده بود بار دیگر اختلاف ریشه دار و تاریخی علمای اهل سنت را با فرقه وهابیت آشکار کرد.



به گزارش آران نیوز: نشست اخیر رهبران اهل سنت که درباره ماهیت این مذهب در شهر گروزی پایتخت چین برگزار شده بود با جنجال فراوانی همراه شد.

«احمد الطیب» شیخ الازهر و یکی از مهم ترین شخصیت‌های اهل سنت در جهان عرب در این نشست حضور داشت، سخنرانی او و محدود کردن تعریف اهل سنت به اشعری‌ها، ماتریدی‌ها و اهل حدیث جنجالی میان چهره‌های سیاسی و مذهبی عربستانی به پا کرد.

روابط عمومی الازهر بعد از این جنجال بیانیه‌ای صادر کرد و طی آن اعلام کرد که به نقل از علامه سفارینی اهل سنت، سه گروه‌اند: اثری‌ها (یکی از چهار مذهب کلامی اهل سنت) که امامشان احمد بن حنبل است، اشعری‌ها که امامشان ابوالحسن اشعری است، ماتریدی‌ها که امامشان ابومنصور ماتریدی است.

الازهر همچنین با نقل از علامه مرتضی الزبیدی که مراد از اهل سنت چهار فرقه، اهل اشعری، ماتریدی، صوفی و اهل حدیث است تأکید کرده که این همان چیزی است که شیخ الازهر مطرح کرده و مورد تأیید الازهر است.

اما توضیحات الازهر نه تنها توفان انتقادات علیه این نهاد مذهبی مصر را فرو نشاند بلکه «محمد آل الشیخ» نویسنده معروف سعودی در صفحه توئیتر خود نوشت: حضور شیخ الازهر در نشستی که عربستانی‌ها (وهابی‌ها) را از زمره اهل سنت حذف کرده ما را به این نتیجه می‌رساند که باید سیاست خود را در قبال مصر تغییر دهیم، هرچه می‌خواهد سر مصر و السیسی بیاید مهم نیست.

وی ضمن متهم کردن ایران و سازمان اطلاعات روسیه در دست داشتن در برگزاری این نشست گفت: این نشست به صورت آشکار عربستان را هدف قرار داده و آنها می‌خواهند این کشور را از اهل سنت و جماعت خارج کنند.

هیأت علمای ارشد عربستان نیز به این مسأله واکنش نشان داد و نسبت به اقداماتی که منجر به ایجاد تفرقه در گروه‌های اسلامی می‌شود هشدار داد و گفته بود نظرات فقهاء و علمای دینی متفاوت است و این تفاوت‌ها محترم شمرده می‌شود.

گرچه با توجه به مناسبات سیاسی روز، ظاهراً حکومت وهابیان در عربستان مورد تأیید موسسه‌ها و نهادهای مهم اهل سنت در جهان عرب قرار گرفته اما اختلافات میان آنها نمانده است و ریشه تاریخی دارد، «خالد فهمی» استاد تاریخ دانشگاه هاروارد در صفحه فیسبوک خود سندی تاریخی منتشر کرده که بعد از سرنگونی دولت آل سعود به وسیله محمد علی پاشا والی مصر، علمای مکه با ارسال پیامی از محمد علی پاشا تشکر کرده بودند.

در این سند علمای مکه از محمد علی پاشا تشکر کرده‌اند که مکه را از وجود «وهابی‌ها» پاک کرده و گفته بودند: «شما با عنایت الهی موفق شدید بر خوارچ متجاوز، ظالم، فاسد، ملحد [وهابی‌ها] که به دنبال ایجاد فساد در جزیره العرب بودند چیره شوید.

آنها [وهابی‌ها] با باورهای غلط و کفرآمیزشان خون مسلمانان را ریخته و مانع زیارت خانه خدا شدند، به همین دلیل خدا را به خاطر این اقدام شما و این نعمت بزرگ شکر می‌کنیم و امیدواریم که پاداش نیک آن در دنیا و آخرت نصیب شما شود.»

جنجالی که امروز به پا شده ریشه تاریخی عمیقی در نحوه پیدایش وهابیت دارد، «محمد بن عبدالوهاب» مؤسس این فرقه معتقد بود تمام مطالبی که پس از قرن سوم هجری به اسلام افزوده شده جعلی است و باید حذف شود؛ او به اصطلاح اعتقاد داشت باید اصلاحاتی اساسی در دیدگاه‌های اسلامی صورت بگیرد به عنوان مثال زیارت قبور و مقدس شمردن اولیاء خدا را گناه و شرک تلقی می‌کرد.

عبدالوهاب بعد از اینکه به دلیل مواضع خود از مدینه بیرون شد به شمال شرقی نجد رفته و خاندان سعودی را پیرو باورهای خود کرد و این باعث شد تا وهابیت از نظر سیاسی متحد دودمان سعودی باشد.

بر اساس میثاق الدرعیه که میان محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب در سال 1158 هجری امضا شد، دو طرف توافق کردند که جنبشی را برای «تصحیح عقاید مردم» به راه اندازند و از طریق «جهاد در راه خدا» مردم را از آنچه تصور می‌کردند که شرک و

کفر است، منع کنند.

به این ترتیب به اعتقاد محمد بن سعود جنگ «مقدسی» علیه تمام انواع دیگر اسلام به راه افتاد و سعودی‌ها بر نجد مسلط شده، مکه و مدینه را اشغال کرده، به کربلا در عراق حمله‌ور شدند و تقریباً تمام شبه‌جزیره عربستان به جز یمن به تسلط آن‌ها درآمد.

بعد از آن با درخواست مصطفی چهارم سلطان امپراطوری عثمانی، [محمد علی پاشا] والی مصر نخستین حکومت وهابی را در سال 1818 ساقط کرد، الدرعیه منهدم شد و رهبران و سران سعودی اعدام شدند.

اما حکومت وهابی-سعودی‌ها تحت رهبری فیصل اول دوباره احیا شده و حکومت خود را تا حدودی بازیابی کردند گرچه بار دیگر و این بار به دست خاندان رشیدیه از شمال عربستان از قدرت کنار رفتند.

در قرن بیستم سومین مرحله احیای وهابیت با موفقیت‌های ملک عبدالعزیز فرا رسید که در سال 1902 ریاض را تصرف کرد و تا سال 1932 با بازپس‌گیری تقریباً تمام مناطق از دست رفته موفق شد تا حکومت پادشاهی عربستان سعودی را بنیان‌گذاری کند و از آن زمان تسلط سیاسی و مذهبی وهابیت بر شبه‌جزیره عربستان تضمین شد.